

تحلیل رابطه بین کیفیت فضای میانی و کیفیت‌های انسانی - محیطی*

مورد پژوهی: مجتمع‌های مسکونی شهر شیراز

مژگان ساسانی^۱، علیرضا عینی فر^۲، حسین ذبیحی^۲

^۱ دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

^۲ استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۷/۲۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۳/۲۶)

چکیده

فضای میانی به مثابه اتصال دهنده عرصه درون و بیرون در مسکن می‌باشد. مقاله حاضر درصدد بررسی کیفیت این فضا و چگونگی تأثیر آن بر کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی شهر شیراز است. پرسش اساسی پژوهش این است که "کیفیت فضای میانی چه تأثیری بر شکل‌گیری کیفیت‌های انسانی - محیطی مجتمع‌های مسکونی دارد؟" بر همین اساس، کیفیت فضای میانی همچون متغیری مستقل بر کیفیت‌های انسانی - محیطی به عنوان متغیری وابسته تأثیرگذار است. بر اساس ادبیات این پژوهش، متغیر وابسته شامل مفاهیم "محرمیت و قلمرو"، "هویت"، "امنیت" و "تعامل اجتماعی" می‌باشد. برای پاسخ به پرسش تحقیق، ابتدا با مرور سابقه موضوع، مفاهیم و نظریه‌های مرتبط تحلیل شد. در ادامه جهت ارزیابی الگوی نظری هفت مجتمع از میان مجتمع‌های مسکونی مورد بررسی انتخاب گردید و پرسشنامه‌های مناسب در میان آنها توزیع شد. لازم به ذکر است که روش تحقیق در این مقاله ترکیبی از مطالعه موردی با روش کمی تحلیل همبستگی است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد کیفیت فضای میانی مجتمع، بر شکل‌گیری کیفیت‌های انسانی - محیطی در مجتمع‌های مسکونی شهر شیراز تأثیر مستقیم دارد. به عبارتی هم‌زمان با بالا بودن میزان متغیر کیفیت فضای میانی، میزان متغیر وابسته بالاتر می‌باشد و بالعکس.

واژه‌های کلیدی

فضای میانی، مجتمع‌های مسکونی، امنیت، هویت، محرمیت و قلمرو، تعامل اجتماعی.

^۱ این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «ارتباط فضای درون و بیرون در مسکن ایرانی» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم است.

^۲ نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۷۷۲۷۰۴۷۸، شماره: ۰۰۷۱-۲۲۲۹۱۲۴۸، E-mail: mozhgan_sasani@yahoo.com

مقدمه

با فضای عمومی مغشوش است و ارتباط تعریف شده‌ای میان درون و بیرون وجود ندارد. به بیان گل^۱، نواحی مسکونی ساختار داخلی پراکنده و مرزهای غیردقیقی دارند. واضح نیست که کجا به مسکن اختصاصی و انفرادی تعلق دارد و کجا ناحیه مسکونی پایان می‌پذیرد (گل، ۱۳۸۷). در واقع فضاهای مسکونی معاصر در ایران، منفک از فضای بیرون و بدون ارتباط با کوچه، گذر و خیابان شکل می‌گیرد. حذف عرصه‌های میانی از جمله عواملی است که از عواقب آن به صورت غیرمستقیم می‌توان به از بین رفتن کیفیت محیط زندگی و ایجاد نارضایتی در میان ساکنین اشاره کرد. بیان اهمیت عرصه میانی و تأثیر آن بر شکل‌گیری سایر کیفیت‌های انسانی محیطی در مسکن معاصر از جمله اهداف این پژوهش به شمار می‌آیند. از این رو نوشتار حاضر می‌کوشد تا با مقایسه کیفیت فضای میانی و کیفیت‌های انسانی محیطی در گونه‌های منتخب مجتمع‌های مسکونی شهر شیراز به این نتیجه برسد که این کیفیت‌ها در کدام یک از گونه‌های مجتمع‌های مسکونی مورد بررسی از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است.

قدمت تقسیم‌بندی درون و بیرون در معماری، به گفته نورالدین (۲۰۰۲) به زمانی بازمی‌گردد که مردم برای محافظت در برابر تغییرات آب و هوایی، شرایط فیزیکی و سایر نیروهای مزاحم خارجی سرپناه را ایجاد کردند. این سرپناه، اولین تلاش برای جداسازی درون و بیرون به واسطه معماری بود. متعاقباً این فضا با توجه به فرهنگ جامعه تغییر یافت. در نهایت راه‌کارهای مختلف طراحی و افزایش فعالیت‌های انسانی منجر به شکل‌گیری الگوهای متفاوت آن شد (Nooraddin, 2002, 44). در واقع، برقراری ارتباط میان فضای درون و بیرون، از جمله بخش‌های ضروری در طراحی سکونتگاه‌های بشری می‌باشد که در قالب سلسله‌مراتب منطقی میان فضای درون و بیرون شکل می‌گیرد. این ارتباط به واسطه تعریف "فضای میانی" ایجاد می‌گردد. این فضا به مثابه فضای انتقال میان خانه و خیابان است که در محدوده‌های مسکونی، شامل قلمرو نیمه خصوصی - نیمه عمومی و در نقش اتصال دهنده عرصه‌های عمومی و خصوصی می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بافت‌های کنونی، ارتباط یک واحد مسکونی

۱. پیشینه پژوهش

میان درون و بیرون می‌باشد. این فضا، عرصه "نیمه خصوصی - نیمه عمومی"^{۱۸} می‌باشد که نه کاملاً عمومی و نه خصوصی است. بیان گل از این فضا به عنوان فضای واسطه‌ای که عملکردی دوجانبه دارد، نام می‌برد. این فضای واسطه^{۱۹}، مکان، شکل و شخصیت مستقلی ندارد بلکه مکانی میان فضاهایی با چندین شخصیت و هویت است و به منزله فضایی جهت مناسب‌سازی ارتباطات میان فضاها می‌باشد. به عبارتی این فضا مرزهای مخصوص به خود را ندارد و به وسیله فضاهای واقع در طرفین خود مشخص و تعریف می‌گردد. زمانی که این فضا گشوده می‌شود، امکان ایجاد تبادل اجتماعی، فرهنگی و طبیعی را فراهم می‌سازد به گونه‌ای که در این مکان، پتانسیل‌ها و توانایی‌های پنهان متفاوتی قدرت تجلی می‌یابد (Grosz, 2001, 93). این مکان‌ها اغلب نقش فضاهای آستانه‌ای^{۲۰} را بر عهده دارند. آنها گذرگاه‌های مرزی می‌باشند، مکان‌هایی که ساکنین شهر با دیدگاه‌های متفاوت، با یکدیگر مواجه می‌شوند (Reijndrop & Hajer, 2001, 128).

امروزه ساختمان‌ها از خیابان جدا هستند و پیوستگی و ارتباط میان آنها کاهش یافته است و نوعی کمبود ارتباط میان ساکنین مشاهده می‌شود که منجر به گسست و جدایی ایشان از اجتماع می‌شود (Hanson, 2000). لذا فضای میانی، عنصر مهمی در طراحی شهری است که می‌بایست طراحی و کاربری و عملکرد آن مورد دقت و توجه طراحان قرار گیرد چراکه زندگی در خیابان^{۲۱} و تعامل اجتماعی میان افراد را تشویق و تقویت

سابقه مبحث ارتباط فضای درون و بیرون با مقوله مباحث مطرح شده در حیطه روان‌شناسی محیطی^۲ و علوم رفتاری^۳ رابطه تنگاتنگی دارد. نیاز به این دسته از مباحث در زمینه مسکن و مطالعه در رابطه با آنچه مردم در خانه‌هایشان نیاز دارند، پس از شکست بعضی از پروژه‌های مسکونی بنا شده در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی آشکار می‌شود. در همین زمان، مباحثی نظیر "ارزیابی پس از سکونت"^۴ توسط افرادی همچون کوپرمارکوس^۵ مطرح می‌شود و مطالعاتی در مبحث کارایی مسکن صورت می‌پذیرد که از آن جمله می‌توان به تحقیقات انجام شده در رابطه با نحوه ارتباط خانه با محیط اطراف و فضاهای شهری مجاور آن، عرصه‌های محیط‌های مسکونی و اهمیت وجود سلسله‌مراتب در آن، مطالعه و بررسی قرارگاه‌های رفتاری^۶، حس قلمرو، خلوت و امنیت اشاره کرد (Hua, 1981). در رابطه با فضای میان درون و بیرون، فضایی که نه داخلی و نه بیرونی است و در اصل نقش اتصال دهنده این دو عرصه را بر عهده دارد، تعبیر مختلفی ارائه شده است. محققان بسیاری از جمله اندرسون^۷ (۱۹۹۱)، گل (۱۹۹۶)، هیجرو و ریچندرپ^۸ (۲۰۰۱)، هیلبر و هانسن^۹ (۱۹۸۴)، استیونس^{۱۰} (۲۰۰۷)، اسکولند و گارلینگ^{۱۱} (۱۹۹۷) درباره این موضوع به پژوهش پرداخته‌اند. آنها از تعبیری چون فضای میانی^{۱۲}، فضای حایل^{۱۳}، مرز میان عمومی خصوصی، مابین^{۱۴}، آستانه، لبه نرم^{۱۵}، فضای آستانه‌ای^{۱۶}، زون واسطه^{۱۷} در رابطه با این مقوله استفاده می‌کنند. اصطلاح فضای میانی، رایج‌ترین تعبیر ارائه شده از فضای

متعلق به همگان است. اما مسئله قابل بحث حداقل این دو فضاست (توسلی، ۱۳۷۶، ۶۸) که نقش اتصال دهندگی میان دو عرصه درونی و بیرونی را برعهده دارد، لذا مفهوم فضای میانی، در ارتباط با مفاهیم درون و بیرون معنا می یابد. مقصود از فضای درون، فضای داخل مسکن و منظور از بیرون، فضای واقع شده در خارج از مسکن است. در این صورت فضای میانی عرصه ای است که میان جهان بیرون و جهان درون قرار دارد و به مثابه فضای انتقال میان خانه و خیابان است که در محدوده های مسکونی، شامل قلمرو نیمه خصوصی - نیمه عمومی و در نقش اتصال دهنده عرصه های عمومی و خصوصی می باشد.

عرصه میانی در مجتمع های مسکونی فضاهای میان خیابان تا درب واحد مسکونی را دربرمی گیرد. فضاهایی همچون "پیاده رو مقابل ورودی، ورودی مجتمع، سواره رو، پیاده رو داخل محوطه مجتمع، پارکینگ، فضای باز، فضای نیمه باز محوطه، لابی" از اجزای فضای میانی می باشند و سلسله مراتب فضایی دسترسی از خیابان تا واحد مسکونی در مجتمع ها توسط این فضاها به وجود می آید. لازم به ذکر است که این اجزاء در مجتمع های مسکونی مختلف، یکسان نبوده و متغیر است. همچنین در بعضی از مجتمع ها برخی از آنها حذف شده و یا در صورت وجود از کیفیت مناسبی برخوردار نمی باشند. لذا می توان چنین گفت که هر چه اجزای فضای میانی کیفیت بهتری داشته باشد، اتصال عرصه های عمومی (بیرون) و خصوصی (درون) قوی تر بوده و فضای میانی از کیفیت بالاتری برخوردار است و بالعکس.

۳. فضای میانی در مجتمع های مسکونی

در مجتمع های مسکونی به وسیله تعریف فضای میانی، ارتباط میان فضای درون و بیرون در قالب سلسله مراتب منطقی ایجاد می گردد و محیط بیرون از خیابان عمومی و فضاهای همسایگی با سلسله مراتب خصوصی تر می شوند تا به داخل خانه برسند. بدین وسیله شرایط گذار از داخل به خارج و همچنین آمادگی کالبدی و روانی در افراد استفاده کننده از فضا فراهم می شود. لذا وجود فضای میانی به مثابه فضای گذار به گونه ای مفصل بندی میان محیط خصوصی و عمومی ایجاد می نماید تا آنچه خصوصی است از آنچه عمومی است متمایز شود. بنابراین در صورت حذف فضای میانی و یا کاستی این فضا از بعد فیزیکی، حلقه های اتصال میان دو عرصه داخل و خارج تعریف شده نمی باشد.

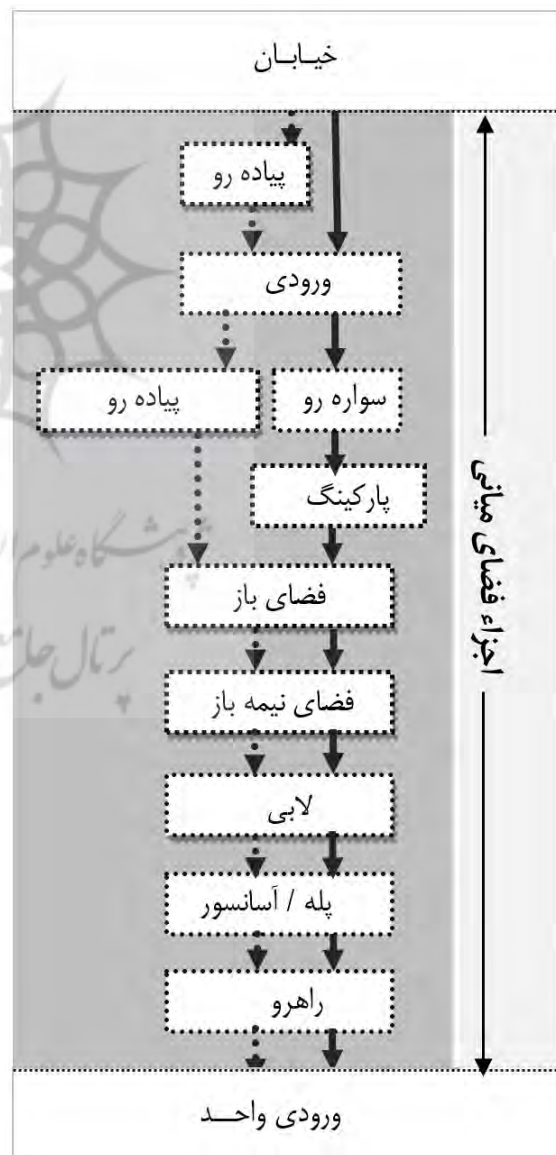
با توجه به آنچه بیان شد، نحوه سلسله مراتب ایجاد شده میان خیابان تا درب ورودی واحد، بیانگر نوع فضای میانی مجتمع است. بنابراین تعداد اجزای این فضا و کیفیت آنها به نوعی نشان دهنده کیفیت فضای میانی می باشد. لذا می توان با دقت در نحوه ایجاد ارتباط میان درون تا بیرون مجتمع به کیفیت این فضا پی برد. با توجه به این موضوع، مجتمع هایی با سلسله مراتب فضایی تعریف شده تر میان درون و بیرون، دارای فضای میانی قوی تری نسبت به سایر مجتمع ها خواهند

می کند (Nooraddin, 2002).

از آنجاکه مسکن نمی تواند به عنوان محیطی به طور کامل مجزا از دنیای خارج محسوب شود (مدنی پور، ۲۰۰۳)، طراحی فضای میانی در مسکن نیز بسیار قابل توجه و با اهمیت است. به بیان اندرسون، عدم توجه به اهمیت تعامل میان خانه و خیابان، عامل ایجاد نوعی جدایی میان این دو می باشد و این امر سبب جداسازی فضای عمومی به عنوان فضایی متعلق به دیگری می گردد. این رویداد به تدریج سبب ناامنی و بی هویتی فضای عمومی خواهد شد (Anderson, 1991, 368).

۲. فضای میانی

بدیهی است که فضای خصوصی حدود مرز یا قلمرو خصوصی یک یا چند نفر را تعریف می کند و فضای عمومی نشان می دهد که



نمودار ۱- اجزای فضای میانی و سلسله مراتب دسترسی سواره و پیاده در مجتمع های مسکونی.

ادامه به صورت مختصر به تعریف هریک از مفاهیم بیان شده، اشاره شده است.

امنیت

امنیت به عنوان نیازی اساسی در اجتماعات انسانی از اهمیت خاصی برخوردار است. امنیت اجتماعی و به طور کل امنیت، ارتباط مستقیمی با فضا و ساخت و ساز شهری دارد. یک فضای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین کننده امنیت و فضای نامناسب از بین برنده آن و زمینه ساز انواع آسیب ها و معضلات اجتماعی است. فضاهای نامناسب شهری، فضاهای بی دفاع، محلات ناامن، همه و همه از عوامل تهدید کننده امنیت شهری و اجتماعی هستند. امروزه امنیت از شاخصه های کیفی زندگی در شهرها است و آسیب های اجتماعی از مهم ترین پیامدهای

جدول ۱- مفاهیم مرتبط با فضای میانی، بیان شده توسط محققان.

مفاهیم مرتبط با فضای میانی	نظریه پرداز
هویت، تقابل های اجتماعی	عینی فر (۱۳۷۹)
پایداری اجتماعی	قائم مقامی (۱۳۸۹)
وحدت اجتماعی	آتمن و گاوین (۱۹۸۲)
قلمروگرایی	چرمابف و الکساندر (۱۹۶۳)
امنیت، حس قلمرو، روابط اجتماعی	گل (۱۹۹۶)
جلوگیری از جرایم، دفاع از قلمرو و خلوت	ژیکسین و هیلینگ (۲۰۰۹)
حس قلمرو	نیومن (۱۹۷۳)
هویت، اجتماع پذیری	براون و ورنر (۱۹۸۵)
مراقبت ساکنین، زندگی اجتماعی	توسلی (۱۳۷۶)
تعامل اجتماعی	نورالدین (۱۹۹۸)
رویاریبی	مدنی پور (۱۳۸۷)
امنیت	مک دونالد (۲۰۰۵)
تعریف کننده نوع ارتباط ساکنین	بنز (۱۹۷۰)
امنیت	برور (۱۹۸۳)
پاسخگو به نیاز ارتباطی ساکنین	پاکزاد (۱۳۸۶)
امکان مواجهه افراد با یکدیگر	هیجرو ریچندرپ (۲۰۰۱)
محرمیت	هوا (۱۹۸۱)
کاهش جرم، روابط همسایگی	لنگ (۱۹۸۷)
امنیت	نیلندر (۱۳۹۰)
حس قلمرو	زیسل (۱۹۷۵)
کنترل قلمرو	بیلان (۱۳۹۰)
کنترل محرمیت و قلمرو	سیدصدر (۱۳۷۷)

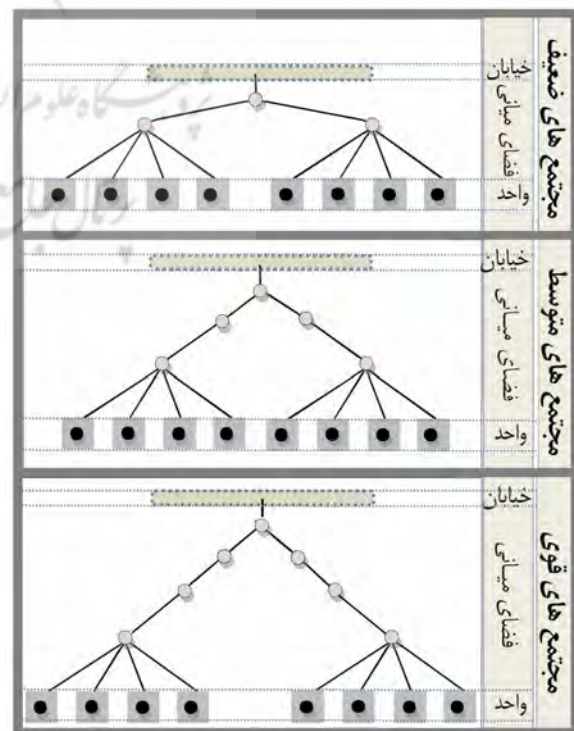
بود. بررسی اولیه فضای میانی در مجتمع های مسکونی در این پژوهش نشان می دهد که سلسله مراتب دسترسی از خیابان تا ورودی واحد در مجتمع های مسکونی به شیوه های مختلف و با اجزای متفاوت فضای میانی نمود می یابد. نمودار ۲، این امر را به صورت گرافیکی نمایش می دهد.

مطابق آنچه در این نمودار مشاهده می گردد در مجتمع های ضعیف سلسله مراتب فضایی میان بیرون (خیابان) و درون (واحد)، به عبارتی کیفیت فضای میانی، نسبت به سایر مجتمع ها، ضعیف تر هست. بدیهی است با افزایش سلسله مراتب فضایی در مجتمع های قوی، فضای میانی نیز از کیفیت بیشتری برخوردار است.

۴. مفاهیم مرتبط با فضای میانی

در رابطه با فضای میانی و نقش آن در محیط های مسکونی، پژوهش هایی توسط محققان صورت گرفته است که همگی اشاراتی به مفاهیم متأثر از فضای میانی داشته اند. جدول ۱، به اختصار به بیان این نظریات می پردازد. نقاط مشترک این پژوهش ها، مفاهیمی می باشند که اساس نظری این تحقیق را شکل می بخشند.

این مفاهیم شامل: "تعامل اجتماعی"، "قلمرو و محرمیت"، "هویت" و "امنیت" می باشند که در هریک از تحقیقات پیشین صرفاً به ارتباط یک یا چند مورد از آنها با فضای میانی اشاره شده است. از آنجا که هدف از این تحقیق، بررسی ارتباط تمامی مفاهیم فوق با فضای میانی است، از مجموع این مفاهیم، تحت عنوان "کیفیت های انسانی- محیطی" نام برده شده است. در



نمودار ۲- گونه بندی اولیه مجتمع ها با توجه به سلسله مراتب فضای میانی.

تعامل اجتماعی ایجاد نماید. هرچه افراد زمان بیشتری را برای فعالیت های بیرونی سپری کنند، تمایل بیشتری برای شرکت در فعالیت های جمعی خواهند داشت (Knack, 2000). تحقیقات نشان می دهد که این گونه فضاها می توانند موجب افزایش تعامل اجتماعی در میان ساکنین شوند، به عبارتی مردم به دلیل نیازشان به تعامل اجتماعی به فضاهای بیرونی می روند (Cooper & Francis, 1998). این فضاهای بیرونی در مجموعه های مسکونی بخشی از فضای میانی می باشند. در این پژوهش تلاش شده است تا میزان تأثیر کیفیت فضای میانی بر تعاملات اجتماعی به عنوان یکی از مفاهیم کیفیت بخش به زندگی در مجتمع های مسکونی امروزی بررسی گردد.

قلمرو و محرمیت

قلمرو مکانی، فضای محدود شده ای است که افراد و گروه ها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می کنند. قلمرو با یک مکان هویت روان شناختی می یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به صورت نماد درمی آید (Pastalan, 1970, 88). آبروین آلتمن^{۲۳}، دسته بندی ای از قلمرو ارائه داده است که در آن سه نوع قلمرو "اولیه"، "ثانویه" و "عمومی" مطرح شده است (آلتمن، ۱۳۸۲، ۱۳۸-۱۴۵). همچنین در تقسیم بندی مشابهی برای قلمروهای فضایی نیومن در جریان نظریه فضای قابل دفاع خود سلسله مراتب قلمروی فضایی را برحسب خصوصی یا عمومی بودن چنین تعریف می کند: فضای خصوصی، فضای نیمه عمومی و فضای عمومی (Newman, 1996, 58). قلمرو، یکی از سازوکارهای نظارت بر مرز میان خود و دیگران و ابزاری برای رسیدن به خلوت دلخواه است. اگر خلوت و سازوکارهای هم پیوند با آن مورد بی توجهی قرار گیرد یا به شکلی انعطاف پذیر در طراحی به کار گرفته شود یا اگر معنای لایه های گوناگون فضای شخصی و قلمرو فراموش شود، افراد ناگزیر می شوند با محیط آن قدر کلنجار برونند تا به مرز دلخواه تعامل (از دید خود) دست یابند (پاکزاد، ۱۳۹۳، ۲۴۸). یکی از اساسی ترین گام ها در راه تعیین قلمروها، توجه به عرصه بندی ها در سکونتگاه هاست که همانند دیگر پدیده ها از سلسله مراتب خاصی پیروی می کند. در تعریف چنین سلسله مراتبی باید به معانی توجه بسیاری داشت. هنگامی که صحبت از حریم ها و حفظ آنها می شود، واضح است این کلمه معنای ثابتی نداشته و معانی گسترده تری را دربرمی گیرد (بحرینی، ۱۳۷۸، ۲۲). تحقیقات انجام شده توسط محققان نشان می دهد که قلمرو، یکی از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت مکان زندگی انسان ها و نحوه رابطه ایشان با محیط طبیعی می باشد. لذا محیط های مسکونی نیازمند سلسله مراتب فضایی، عملکردی و ... می باشد که با مفهوم قلمرو ارتباط تنگاتنگی دارد. از آنجا که فضای میانی نیز به واسطه تعریف عرصه های میان درون و بیرون شکل می گیرد، لذا ارتباط میان آن با مفهوم قلمرو قابل توجه می باشد. از این رو در این تحقیق، این مفهوم به عنوان یکی از مفاهیم سازنده کیفیت های انسانی-

مختلف امنیت به شمار می روند. در این میان، فضاهای شهری از جمله مؤلفه هایی هستند که نابهنجاری های اجتماعی در بستر آنها به وقوع می پیوندد (Rapoport, 1982, 3-6). جین جیکوبز، نظریه پرداز بزرگ شهری (۱۹۶۱)، در تبیین امنیت شهری به تعامل فضای فیزیکی و فرآیندهای اجتماعی که محیط را می سازند توجه نموده و بر فعال بودن فضا به عنوان عاملی در ایجاد یک محیط امن و موفق تأکید کرده است. جیکوبز، ایجاد حرکت، استفاده های فعال از سطح خیابان و فعالیت های خیابانی و مراقبت های طبیعی از این فعالیت ها را به عنوان مؤلفه هایی در جهت ساختن یک محیط خوب شهری قلمداد می کند. اسکار نیومن (۱۹۷۲) نیز در باب فضاهای قابل دفاع عنوان می کند که مردم و طرح ها در یک "شهر خوشونت آمیز"^{۲۴} از رویکردهای مشابه در رفتارهای اجتماعی و در جهت توسعه یک محیط امن، پیروی می کنند (Boyle, 2001, 566). در همین ارتباط مجتمع های مسکونی از جمله فضاهایی هستند که به عنوان بستر زندگی می بایست بتوانند محیطی امن برای ساکنانشان ایجاد نمایند. در این پژوهش، جهت سنجش میزان امنیت این محیط ها از سنجش احساس ذهنی مخاطب در این باره استفاده شده است.

تعامل اجتماعی

جامعه، هویت تعاملی و معنی دار است و جهان اجتماعی برای افراد درگیر آن دارای معنی و اهمیت شخصی است. هویت های فردی و اجتماعی در فرایند تعامل های اجتماعی رشد می کنند. ما در تعامل با دیگران است که یاد می گیریم چه کسی هستیم و چه کسی خواهیم شد. به اعتقاد جنکینز، هویت فردی که وجه تمایز فرد از دیگران است در جامعه تکوین می یابد. اجتماعی شدن نخستین و تعاملات اجتماعی که در همه طول عمری می دهند، سبب می شود افراد بتوانند در پرتو آنها خود را تداعی کنند (جنکینز، ۱۳۸۱، ۲۱۷). همچنین رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است. هر فرصتی برای دست یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است. دلیل دیگر این است که فعالیت های مردم، با به وجود آوردن زمینه های اجتماعی شدن و اجتماع پذیری به رشد فردی انسان کمک می کنند (لنگ، ۱۳۸۴، ۱۸۷). توجه به نیازهای فردی و اجتماعی افراد سبب کیفیت بخشیدن به فضاهای زندگی می گردد. متأسفانه در محیط های مسکونی امروزی به دلیل عدم توجه به نیازهای انسانی و طراحی کیفی فضا، تعاملات اجتماعی ساکنین تضعیف گشته است. با توجه به آنچه گفته شد و پاسخ به نیاز انسان، خلق فضاهایی برای ایجاد فعالیت های اجتماعی میان افراد در فضاهای شهری، محیط های مسکونی و همسایگی ها ضروری است. فضاهای بیرونی از این جمله هستند. این فضاها به جهت برقراری تعامل با سایرین برای ایجاد امکان رویارویی و پتانسیل خلق می شوند (Durker & Gumpert, 1998). یک فضای بیرونی با کیفیت می تواند با جذب افراد برای آمدن و ماندن در فضا،

محیطی مجموعه‌های مسکونی در نظر گرفته شده و به بررسی رابطه آن با فضای میانی پرداخته شده است.

هویت

هویت ویژگی‌ای از محیط می‌باشد که دارای ابعاد و رویکردهای مختلفی می‌باشد. چگونگی ارتباط انسان یا محیط در شکل‌گیری هویت یک مکان بسیار مؤثر می‌باشد. تجلی این مفهوم در صورت ایجاد ارتباط طبیعی و منطقی میان محیط و فرد می‌باشد. به عبارتی بین فرد و محیط زندگی اش ارتباط و احساس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد مگر آنکه قادر به شناخت عمیق و تشخیص آن باشد و توان درک تمایز آن نسبت به محیط‌های دیگر داشته باشد (قطبی، ۱۳۸۷، ۸۱). در این پژوهش، مفهوم هویت از بعد مکانی آن یعنی "هویت مکانی" مطرح بوده است. هویت مکان، حاصل تمایزات و تشابهات یک مکان نسبت به مکان‌های دیگر است. کوین لینچ به عنوان یک طراح شهری، فضای شهر را قلمرویی برای زندگی و هویت‌یابی می‌داند (فکوهی، ۱۳۸۳). هویت مکانی بخشی از زیرساخت‌های هویت فردی انسان و نتیجه شناخت‌های عمومی او درباره جهان فیزیکی است که در آن زندگی می‌کند؛ بنابراین رابطه متعادلی که بین هویت مکانی فرد و ویژگی‌های محیط پیرامون او شکل می‌گیرد، بسیار حائز اهمیت است (بهبادفر، ۱۳۸۶، ۶۵). در اصطلاح هویت مکانی سه مفهوم نهفته است. مکان، هویت و قلمروهای مقام و برساننده این دو مفهوم. مردم همواره خود را به شهر، منطقه و یا کشوری که در آن زندگی می‌کنند، ارجاع می‌دهند. در واقع مردم خود را بیشتر به محیط‌های فیزیکی به مثابه مکان ارجاع می‌دهند تا محیط‌های اجتماعی. مکان‌های زیست خود ویژگی‌های انسانی و رفتاری را تا حدودی مشخص می‌کنند. برعکس هم صادق است. مکان‌ها به وسیله‌ی هویت انسانی تحت تأثیر قرار می‌گیرند (Naser & kang, 1999, 205).

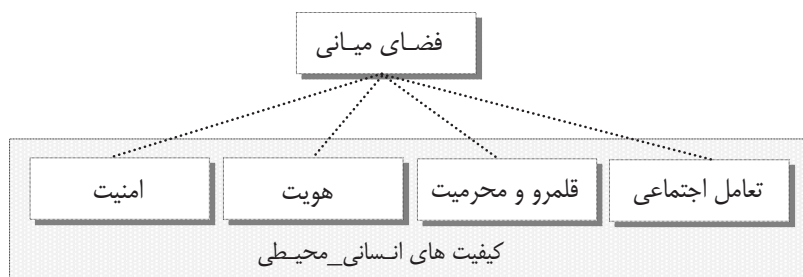
۵. ارتباط فضای میانی با کیفیت‌های انسانی - محیطی

دیدگاه‌های تعاملی در مکاتب روان‌شناسی بر این باورند که انسان با محیط ارتباط برقرار می‌نماید، در آن دخل و تصرف

می‌کند و از آن تأثیر می‌پذیرد. از سوی دیگر، نیاز انسان به خانه، بسیار فراتر از نیاز اولیه به سرپناه است. با تأکید بر دیدگاه‌های اقتصادی و جمعیتی و کم‌توجهی به نیازهای دیگر انسان، محیط زندگی از کیفیت لازم کم بهره می‌ماند و ساکنان محیط‌های مسکونی با کم شدن حس تعلق به محیط زندگی، دچار نوعی بی‌هویتی می‌شوند. علاوه بر این، به دلیل مشکلات موجود در شهرهای بزرگ، گریزی از گسترش مجموعه‌های از پیش طراحی شده و انبوه وجود ندارد و پرداختن به جنبه‌های انسانی طراحی چنین مجموعه‌هایی ضرورت می‌یابد. محققان با تمرکز بر نیازهای فضایی انسان در محیط زندگی، موارد متعددی را مهم دانسته‌اند که از جمله می‌توان به امنیت فضایی، روابط اجتماعی، خوانایی، خلوت، حرمت انسانی و هویت اشاره کرد (بحرینی، ۱۳۷۸). جان زایل^{۲۴} نیز در نظریه رفتارگرایانه خود، نیازهای فضایی فوق را چنین برشمرده است: امنیت، خوانایی، محرمیت، ارتباط اجتماعی، راحتی، هویت (کروپات^{۲۵}، ۱۹۸۵). در این پژوهش، از این نیازهای فضایی تحت عنوان کیفیت‌های انسانی - محیطی نام برده شده است. در این تحقیق تلاش شده است تا ارتباط میان این مفاهیم با یکدیگر و همچنین با فضای میانی، به صورت عملی در نمونه‌های موردی منتخب از مجتمع‌های مسکونی شهر شیراز بررسی گردد.

۶. روش تحقیق

پژوهش حاضر از بُعد هدف، یک تحقیق کاربردی است که با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزارهای رایج کتابخانه‌ای و نیز مشاهده میدانی انجام شده است. روش تحقیق پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه مجتمع‌های مسکونی شهر شیراز است که حداقل شامل دو بلوک ساختمانی باشند. برای انتخاب نمونه‌های مورد پژوهش، در مرحله اول اطلاعات مجتمع‌های مسکونی در ۹ منطقه شهر شیراز جمع‌آوری شد. سپس بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند، نمونه‌های مورد نظر به تعداد هفت مجتمع از بین سایر مجتمع‌ها انتخاب شده است. لازم به ذکر است که نمونه‌های انتخابی از میان گروه‌هایی با بیشترین درصد فراوانی در شهر شیراز و از بین گونه‌هایی با کیفیت فضای میانی متفاوت برگزیده شده‌اند. در این ۷ مجتمع با استفاده از روش نمونه‌گیری ساده در



قابل قبولی می باشند و پایایی پرسشنامه را تایید می کنند.

۷. گونه بندی مجتمع های مسکونی منتخب از نظر فضای میانی

در ادامه، جهت گونه بندی اولیه مجتمع های مسکونی منتخب بر مبنای فضای میانی، این مجتمع ها از نظر اجزای فضای میانی مورد بررسی قرار گرفته و کیفیت هر قسمت به صورت گرافیکی در مجتمع های مسکونی به تفکیک نمایش داده شده است. با توجه به دسته بندی انجام شده در جدول ۳ و مطالعه کیفی هر یک از اجزای فضای میانی در مجتمع های مورد مطالعه به تفکیک مشاهده می شود که مجتمع های "ارم، کوثر و بهاران" از نظر کیفیت اجزای فضای میانی در دسته قوی، مجتمع های "فدک، جنت" در دسته متوسط و "بهارستان و سراج" ضعیف می باشند. لازم به ذکر است که دسته بندی مذکور نسبی می باشد و صرفاً جهت مجتمع های ذکر شده قابل قیاس است.

۸. ابزار سنجش تحقیق

ابزار سنجش این پژوهش، پرسشنامه کتبی ساختارمند شامل طیف پنج گزینه ای لیکرت می باشد که برای سنجش هر متغیر از پرسشنامه ها و منابع محققان استفاده گردیده است.

۹. یافته های پژوهش

در این قسمت به منظور بررسی اطلاعات توصیفی یافته های پژوهش؛ میانگین، انحراف معیار و تعداد مشاهده شده آزمودنی در متغیرهای پژوهش حاضر مربوط به هرگونه در جدول توصیفی متغیرها و به منظور بررسی رابطه ساده بین متغیرهای پژوهش مربوط به هرگونه در جدول ماتریس همبستگی بین متغیرها به صورت مجزا بررسی می شود.

هر مجتمع با توجه به تعداد واحدهای آن؛ از طریق فرمول کوکران، حجم نمونه مورد نیاز برآورد گردید. سپس با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده، پرسش شوندهگان از هر مجتمع انتخاب گردیدند. پرسشنامه شامل طیف پنج گزینه ای لیکرت می باشد. سؤالات پرسشنامه در سه بخش تنظیم شده اند. بخش اول شامل مشخصات آماری پرسش شوندهگان، بخش دوم ارزیابی کیفیت فضای میانی و بخش سوم ارزیابی کیفیت های انسانی - محیطی می باشد که در چهار بخش شامل ارزیابی "قلمرو و محرمیت"، "امنیت"، "هویت" و "تعامل اجتماعی" در مجتمع های مورد نظر بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. آمار استنباطی تحقیق شامل دو بخش می باشد، در بخش اول از ماتریس همبستگی پیرسون به منظور بررسی روابط بین متغیرها استفاده شده است. در بخش دوم برای آزمون فرضیه های تحقیق از طریق بررسی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر، اطلاعات به نرم افزار آموس^{۲۶} انتقال یافت. برای تعیین پایایی تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقادیر آلفای کرونباخ به دست آمده برای متغیرهای پژوهش از ۰/۶ تا ۰/۹ نوسان می کند که همگی در حد

جدول ۲- مشخصات مجتمع های مسکونی منتخب.

مجتمع	سال ساخت	بلوک	ارتفاع	واحد
بهاران	۱۳۷۰	۹	۶	۱۳۲
کوثر	۱۳۸۵	۶	۴-۵-۶	۱۰۰
ارم	۱۳۸۰	۸	۵	۱۹۲
جنت	۱۳۸۴	۵	۵	۳۶۰
فدک	۱۳۸۷	۴	۶-۵	۲۰۳
سراج	۱۳۷۷	۱۳	۴	۲۰۸
بهارستان	۱۳۷۹	۴	۵	۹۶

جدول ۳- کیفیت اجزای فضای میانی.

نام مجتمع	وضعیت کیفیت اجزای فضای میانی							
	پیش فضای جلو ورودی مجتمع	ورودی مجتمع	سواره رو	پیاده رو	پارکینگ	فضای باز مجتمع	ورودی بلوک	لابی
بهاران	●	●	●	●	●	●	●	●
کوثر	●	●	●	●	●	●	●	●
ارم	●	●	●	●	●	●	●	●
فدک	●	●	●	●	●	●	●	●
جنت	●	●	●	●	●	●	●	○
بهارستان	○	●	●	●	●	●	●	●
سراج	○	○	○	○	○	○	○	○

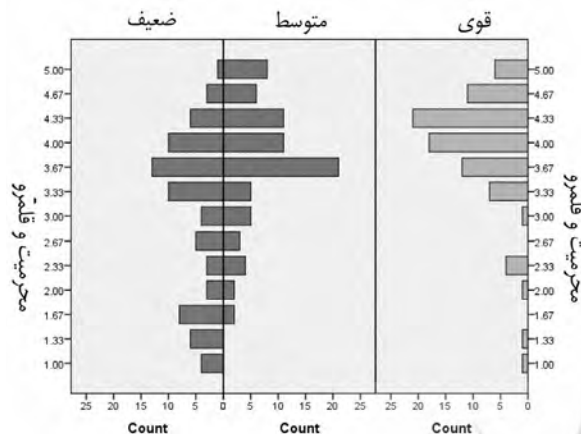
*درصد مطلوبیت هر جزء با به کار بردن رنگ تیره نشان داده شده است.

جدول ۴- سؤالات پرسشنامه مربوط به هر متغیر.

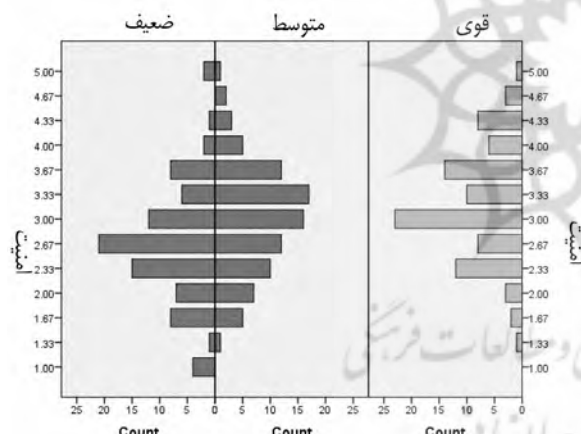
معیار	شاخص	سؤالات پژوهش	
کیفیت فضای میانی	عملکردی	میزان استفاده	
		ضروری	
		انتخابی	
	فعالیت‌ها	میزان انجام هر یک از فعالیت‌های زیر چه میزان می باشد؟	
	اجتماعی		
هویت	فضایی- کالبدی	کیفیت هر یک از بخش‌های زیر در مجتمع را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟	
	اهمیت	چه میزان به مجتمع خود اهمیت می‌دهید؟	
	افتخار	چه قدر به مجتمع خود افتخار می‌کنید؟	
	عدم تمایل به جایگزینی	چه میزان در یک جمع حاضر به اعلام نام مجتمع محل زندگی خود هستید؟ اگر شرایطی پیش بیاید از این مجتمع مهاجرت می‌کنید؟	
امنیت	میزان جرم خیزی و آسیب‌های اجتماعی	آیا مجتمع محل زندگی خود را برای خانواده و کودکان امن می‌دانید؟	
	مزاحمت‌های ناخواسته	آیا مزاحمت‌های ناخواسته و ورود افراد غریبه به مجتمع شما به راحتی امکان پذیر است؟	
	وجود چهره‌های ناآشنا	آیا در صورت ورود فردی غریبه به مجتمع می‌توانید تشخیص دهید؟	
	ایمنی	آیا از مسیر حرکت اتومبیل‌ها در مجموعه احساس امنیت می‌کنید؟	
محریت و قلمرو	عرصه بندی عمومی خصوصی	از نظر شما آیا در این مجموعه مسکونی حریم خصوصی افراد حفظ می‌شود؟ چه میزان از وجود سروصدای آزاردهنده و آلودگی صوتی در مجتمع رنج می‌برید؟	
	کنترل مشرفیت	در صورت باز بودن درب واحد شما، فضای خصوصی درون واحد برای همسایگان قابل مشاهده است؟ آیا امکان دیدن فضاهای زندگی شما برای همسایه‌ها و غریبه‌ها وجود دارد؟	
	حفظ حریم‌ها	آیا در زمان‌هایی که نیاز به خلوت و تنها بودن می‌کنید، قادر هستید مکانی در مجتمع دنج و آرام بدون مزاحمت برای تنها نشستن بیابید؟	
	صرف اوقات فراغت مشترک	چه میزان از اوقات فراغت خود را با همسایگان در مجموعه سپری می‌کنید؟ چه قدر از ملاقات با همسایگان در فضاهای مشترک مجموعه لذت می‌برید؟ ترجیح می‌دهید چه میزان با همسایگان خود ارتباط داشته باشید؟ اغلب چه میزان همسایگانتان را ملاقات می‌کنید؟	
تعامل اجتماعی	رفتار همسایگان	میزان مزاحمت همسایه‌ها	
		میزان مشارکت همسایه‌ها	
		نحوه رفتار همسایگان	
	همگونی اجتماعی و فرهنگی ساکنان	فداکاری و کمک ساکنان	اگر مشکلی داشته باشید، چه اندازه می‌توانید در میان همسایه‌ها افراد مورد اعتمادی بیابید؟
		شناخت همسایه‌ها	آیا همسایگان شما متناسب با شخصیت شما و خانواده‌تان هستند؟
			آیا از رفتار و فرهنگ همسایگان خود رضایت دارید؟
		چه تعداد از همسایگان در بلوک خود را می‌شناسید؟ چه تعداد از همسایگان در سایر بلوک‌ها را می‌شناسید؟	

۹-۳. بررسی متغیرها در گونه های مختلف مجتمع های مسکونی

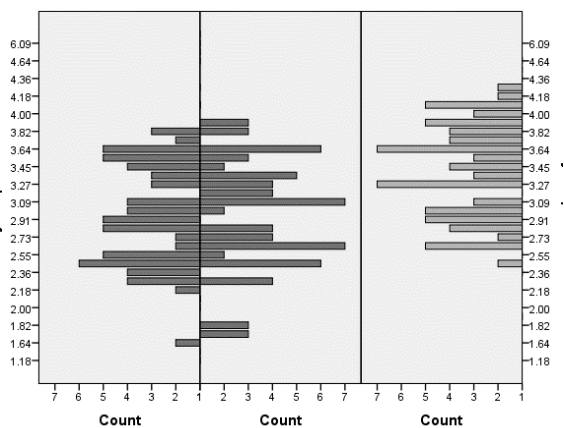
همان گونه که در نمودار ۴ مشاهده می شود، باتوجه به پراکندگی و میانه و نمای داده ها در هر گونه مجتمع ها؛ میزان متغیر کیفیت در گونه قوی در حد بالایی و در مجتمع های گونه متوسط در حد متوسطی و در گونه مجتمع های ضعیف در حد پایینی قرار دارد.



نمودار ۵- متغیر محرمیت و قلمرو در گونه های مختلف مجتمع های مسکونی.



نمودار ۶- متغیر امنیت در گونه های مختلف مجتمع ها.



نمودار ۷- متغیر هویت در گونه های مختلف مجتمع های مسکونی.

۹-۱. اطلاعات توصیفی یافته های پژوهش

جدول ۵- اطلاعات توصیفی یافته های پژوهش مربوط به گونه های مختلف مجتمع های مسکونی.

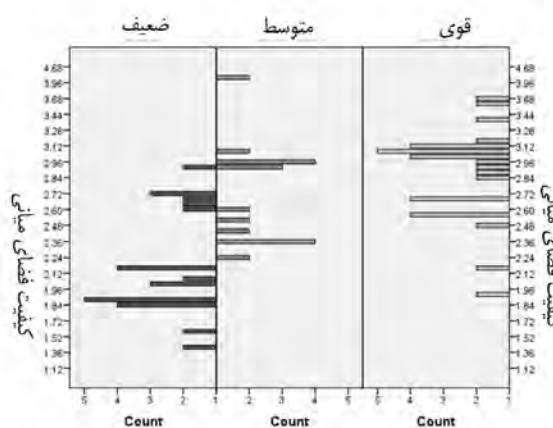
گونه	متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	کل
ضعیف	تامل اجتماعی	۲/۹۸۱	۰/۰۷۷	۱/۴۵	۵	۷۵
	کیفیت	۲/۱۹۲	۰/۰۸۵	۱/۱۲	۳/۸	۵۱
	محرمیت و قلمرو	۲/۰۲۲	۰/۱۲۷	۱	۵	۷۶
	امنیت	۲/۶۵۹	۰/۰۸۶	۱	۵	۸۷
	هویت	۲/۲۵۹	۰/۰۸۰	۱	۵	۹۰
متوسط	تامل اجتماعی	۲/۰۴۵	۰/۱۰۲	۱/۱۸	۵	۸۰
	کیفیت	۲/۷۵۱	۰/۱۱۱	۱/۳۲	۴/۶۸	۴۲
	محرمیت و قلمرو	۳/۷۵۶	۰/۰۹۳	۱/۶۷	۵	۷۸
	امنیت	۳/۰۲۲	۰/۰۷۹	۱/۳۳	۵	۹۱
	هویت	۳/۵۸۸	۰/۰۸۶	۱	۵	۹۰
قوی	تامل اجتماعی	۲/۴۰۳	۰/۰۶۲	۱/۹۱	۴/۶۴	۸۲
	کیفیت	۲/۹۰۴	۰/۰۷۴	۱/۶۸	۴/۶۸	۶۳
	محرمیت و قلمرو	۲/۹۵۵	۰/۰۸۵	۱	۵	۸۳
	امنیت	۲/۲۰۱	۰/۰۷۹	۱/۳۳	۵	۹۱
	هویت	۲/۹۴۳	۰/۰۷۳	۲/۲۳	۵	۸۸

۹-۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

جدول ۶- ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش مربوط به گونه های مختلف مجتمع های مسکونی.

گونه	متغیر	تامل اجتماعی	کیفیت	محرمیت و قلمرو	امنیت	هویت
ضعیف	تامل اجتماعی	۱				
	کیفیت	۰/۳۲۱*	۱			
	محرمیت و قلمرو	۰/۳۵۵**	۰/۵۴۳**	۱		
	امنیت	۰/۲۹۹*	۰/۵۰۲**	۰/۵۴۷**	۱	
	هویت	۰/۲۸۶*	۰/۵۶۲**	۰/۵۰۵**	۰/۵۰۱**	۱
متوسط	تامل اجتماعی	۱				
	کیفیت	۰/۵۷۰**	۱			
	محرمیت و قلمرو	۰/۱۱۲NS	۰/۳۷۲*	۱		
	امنیت	۰/۰۱۹NS	۰/۴۴۲**	۰/۴۸۵**	۱	
	هویت	۰/۰۰۶NS	۰/۶۷۳**	۰/۴۶۴**	۰/۵۴۳**	۱
قوی	تامل اجتماعی	۱				
	کیفیت	۰/۳۹۷**	۱			
	محرمیت و قلمرو	۰/۱۰۷NS	۰/۴۰۲**	۱		
	امنیت	۰/۳۲۳**	۰/۴۶۰**	۰/۵۴۹**	۱	
	هویت	۰/۲۴۴**	۰/۳۹۰**	۰/۴۰۱**	۰/۴۸۷**	۱

علامت *، **، NS به ترتیب نشان دهنده معنی داری در سطح ۵٪ و ۱٪ و عدم وجود همبستگی بین دو متغیر می باشد.



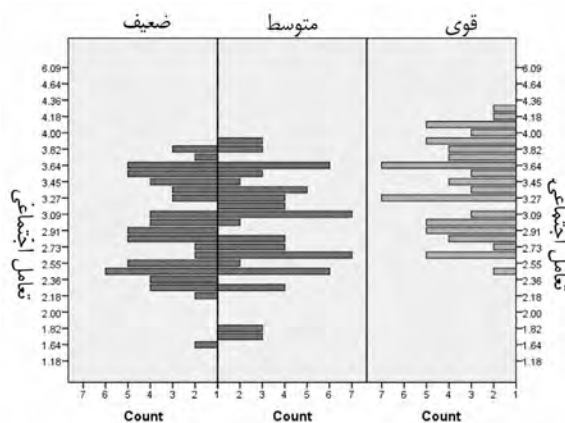
نمودار ۴- متغیر کیفیت در گونه های مختلف مجتمع های مسکونی.

آنها نسبتاً مطلوب است (میانگین ۲/۹۶) و به طور دقیق تر در مجتمع های گونه خوب (میانگین ۳/۲۰۱) از وضعیت مطلوب تری نسبت به گونه متوسط (میانگین ۳/۰۲۲) و گونه ضعیف (میانگین ۲/۶۵۹) برخوردار است. که این موضوع دوراز انتظار نبوده است.

۴- وضعیت هویت در مجتمع های مسکونی مورد بررسی نشان می دهد که نگرش پاسخ دهندگان نسبت به این عنصر نسبتاً مثبت است به طوری که میانگین نمره آن از متوسط یک گوینه، ۳/۵۹ می باشد. به طور دقیق تر همان گونه که انتظار می رفت؛ در مجتمع های گونه خوب با میانگین ۳/۹۴۳ نگرش مثبت تری نسبت به گونه متوسط با نمره میانگین ۳/۵۸۸ و گونه ضعیف با نمره میانگین ۳/۲۵۹ هست.

۵- نتایج حاکی از آن است که نگرش پاسخ دهندگان نسبت به حریمیت و قلمرو در فضاهای میانی مجتمع ها در حد خوبی می باشد به طوری که میانگین نمره آنها از متوسط یک گوینه ۳/۵۹ می باشد که میانگین این عنصر نیز در گونه های مجتمع های خوب ۳/۹۵۹ و متوسط ۳/۷۵۶ و ضعیف ۳/۰۲۲ می باشد، که تأییدی است بر گونه شناسی و گونه بندی صحیح مجتمع های مسکونی. همان گونه که در نمودار مشاهده می شود، با توجه به پراکندگی و میانه و نمای داده ها در هر گونه مجتمع ها؛

- میزان متغیر حریمیت و قلمرو در گونه قوی در حد بالایی و در مجتمع های گونه متوسط در حد متوسطی و در گونه مجتمع های ضعیف در حد پایینی قرار دارد.
- میزان متغیر امنیت در گونه قوی؛ در حد بالایی و در مجتمع های گونه متوسط در حد متوسطی و در گونه مجتمع های ضعیف در حد پایینی قرار دارد.
- میزان متغیر هویت در گونه قوی در حد بالایی و در مجتمع های گونه متوسط وضعیت در حد متوسط و پایینی قرار دارد.
- میزان متغیر تعامل اجتماعی در گونه قوی در حد بالایی و در مجتمع های گونه متوسط در حد متوسطی و در گونه مجتمع های ضعیف در حد پایینی قرار دارد.



نمودار ۸- متغیر تعامل اجتماعی در گونه های مختلف مجتمع های مسکونی.

۹-۴. نتایج توصیفی تحقیق

- ۱- از نظر ساکنان مجتمع های مسکونی مورد بررسی، کیفیت فضای میانی مجتمع های مسکونی به طور میانگین برابر ۲/۶۳ می باشد، که از وضعیت مناسبی برخوردار می باشند. اما به طور دقیق تر با توجه به گونه شناسی مجتمع ها؛ کیفیت فضای میانی در مجتمع های گونه خوب با میانگین ۲/۹۰۴ از وضعیت مطلوب تری نسبت به گونه متوسط با میانگین نمره ۲/۷۵۱ و گونه ضعیف با میانگین ۲/۱۹۲ برخوردار می باشد که این امر دور از انتظار نبوده است و بحث گونه شناسی و دسته بندی مجتمع های مسکونی را تأیید می کند.
- ۲- نگرش پاسخ دهندگان نسبت به ایجاد تعاملات اجتماعی در فضای میانی مجتمع ها از وضعیت خوبی برخوردار می باشد، بطوری که میانگین نمره آنها ۳/۱۴ می باشد، که این مورد نیز همان گونه که انتظار می رفت؛ در مجتمع های گونه خوب با میانگین ۳/۴۰۳ دارای وضعیت خوب و در گونه متوسط با میانگین ۳/۰۴۵ دارای وضعیت متوسط و در گونه ضعیف با میانگین نمره ۲/۹۸۱ دارای وضعیت ضعیفی می باشد.
- ۳- امنیت پذیری مجتمع های مورد بررسی، از نظر ساکنان

نتیجه

محیطی، مفاهیم کیفیت بخش به زندگی جریان یافته در این مکان ها می باشند. نتایج تحقیق نشان می دهد که رابطه ای مستقیم میان متغیر کیفیت فضای میانی با متغیرهای وابسته وجود دارد. این امر بدان معناست که چگونگی کیفیت فضای میانی مجتمع های مسکونی می تواند بر چگونگی ظهور سایر کیفیت ها، تأثیر مستقیم و مشخص بگذارد. به عبارتی هم زمان با افزایش میانگین متغیر کیفیت فضای میانی در گونه با کیفیت فضای میانی قوی تر، میانگین متغیرهای وابسته (کیفیت های انسانی - محیطی) نسبت به سایر گونه ها افزایش خواهد یافت. لذا توجه به طراحی فضای میانی در محیط های مسکونی امروزی امری ضروری است. تعریف صحیح این فضا، سبب پیوند

این پژوهش در صدد ارزیابی رابطه بین کیفیت فضای میانی با کیفیت های انسانی - محیطی در جهت افزایش ارتقای جنبه های کیفی و انسانی مجتمع های مسکونی است. فضای میانی عرصه میان قلمرو عمومی و خصوصی است که در محدوده های مسکونی، قلمروهای نیمه خصوصی - نیمه عمومی را دربر می گیرد. این فضا گذاری از فضاهای خصوصی در برابر فضاهای همگانی و عمومی ایجاد می نماید و مرز میان این دو ناحیه را شکل می دهد. در همین ارتباط و جهت بررسی و بیان اهمیت فضای میانی، در این پژوهش به چگونگی و میزان تأثیر کیفیت فضای میانی بر کیفیت های انسانی محیطی مجتمع های مسکونی پرداخته شده است. مقصود از کیفیت های انسانی -

فضایی، بیوستگی میان فضاها و جلوگیری از تداخل قلمروها و آشفتگی، تداوم فرهنگی، کالبدی و اجتماعی میان درون با محیط بیرونی ایجاد گردد. در این راستا تدوین ضوابط طراحی این فضا در مجتمع های مسکونی می تواند گامی مفید و مؤثر باشد. همچنین نتایج این پژوهش می تواند در جهت بازنگری و ارتقای کیفی فضای میانی در مجتمع های مسکونی و تدوین ضوابط طراحی این فضا، مورداستفاده قرار گیرد.

مجموعه با محیط اطراف و کل شهر می گردد، همچنین به امنیت این محیط ها افزوده، حس قلمرو و حس تعلق ساکنین را تقویت نموده و قادر است در عین ایجاد خلوت و حریمیت فضایی، زمینه های بروز تعامل اجتماعی میان ساکنین را نیز فراهم نماید. از این رو می بایست در مجتمع های مسکونی با تجدید دیدگاه و نگرش نسبت به فضاهای میانی و تعریف فضاهای انتقال از عرصه بیرونی به درونی، علاوه بر ایجاد سلسله مراتب

پی نوشت ها

انتشارات شیرازه، تهران.
سید صدر، ابوالقاسم (۱۳۷۷)، فلسفه فضاهای معماری، انتشارات بیابانی، تهران.
فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، انسان شناسی شهری، انتشارات نی، تهران.
قائم مقامی، پروین السادات (۱۳۸۹)، اصول پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی، نشریه صفه، شماره ۵۱، صص ۸۷-۷۵.
قطبی، علی اکبر (۱۳۸۷)، مفهوم هویت و معماری امروز ایران، نشریه آیینه خیال، شماره ۱۰، صص ۸۳-۷۸.
گل، یان (۱۳۸۷)، زندگی در فضای میان ساختمان ها، ترجمه ی شیمیا شصتی، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
لنگ، جان (۱۳۸۴)، آفرینش نظریه های معماری (نقش علم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه ی علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
مدنی پور، علی (۱۳۸۷)، فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه ی فرشاد نوربان، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
نیلاندر، اولا (۱۳۹۰)، معماری خانه، ترجمه ی محمد صادق فلاح، انتشارات دانشگاه زنجان، زنجان.
Anderson, S (1991), *On Streets: Based on a project of the institute for architecture and urban studies*, Mass, MIT press, Cambridge.
Banz, G (1970), *Elements of Urban Form*, McGraw-Hill, New York, London.
Boyle, J & Findlay, C (2001), *An Investigation into Women's Perceptions of Fear and the Design of the Urban Environment, Open space*, Edinburgh College of Art, School of Architecture, Tourism Management, London.
Brower, S (1983), Residents' Perceptions of Territorial Features and Perceived Local Threat, *Environment and Behavior*, Vol.15, No. 4, pp. 419-437.
Brown, B & Werner, C (1985), Social Cohesiveness, Territoriality and Holiday Decorations: The influence of Cul-de-sacs, *Environment and Behavior*, Vol.17, No.5, pp. 539-565.
Chermayef, S & Alexander, N. Y (1963), *Community and Privacy: Toward a New Architecture of Humanism*, Doubleday, New York.
Cooper M & Francis, C (1998), *People Places: Design Guidelines for Urban Open Space*, John Willey & Sons, New York.
Drucker, S & Gumpert, G (1998), Public Spaces and the Right of Association, *Free Speech Yearbook*, Vol.36, pp.25-44.
Grosz, E (2001), *Architecture from the Outside: Essays on Virtual and Real Space*, MIT Press, London, Cambridge.
Gauvain, M & Altman, I (1982), A Cross-Cultural Analysis of Homes, Productive and Compartment, *Architecture & Behavior*, Vol.2, pp.27-46, George Publishing Company.
Gehl, J (1996), *Life between Buildings*, Copenhagen, the Danish Architectural Press, Denmark.
Hailing, G & Zhixin, G (2009), *Regenerating Public Space in*

1 Ghel, J.
2 Environmental Psychology.
3 Behavioral Sciences.
4 PoS-Occupancy Evaluations.
5 Cooper Marcus.
5 Behavior Setting.
7 Anderson.
8 Hajer and Reijndrop.
9 Hillier and Hanson.
10 Stevens.
11 Skjaeveland and Garling.
12 In Between
13 Interface.
14 Betwix.
15 Threshold.
16 Liminal Space.
17 Buffer Zone.
18 Private and Public.
19 Mediation Space.
20 Liminal Spaces.
21 Street Life.
22 Violent City.
23 Altman, I.
24 John zeisel.
25 Krupat, Edward.
26 Amos.

فهرست منابع

آلتنن، ایروین (۱۳۸۲)، محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه ی علی نمازیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
بحرینی، حسین (۱۳۷۸)، مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقیق آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۶، صص ۳۱-۱۸.
بلیان اصل، لیدا (۱۳۹۰)، نقش فضای بینابین در هویت بخشی به گستره فضایی بافتهای تاریخی ایران، نشریه هویت شهر، شماره ۸، صص ۵۹-۷۱.
بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۶)، نگاهی به هویت شهر تهران، انتشارات نشرشهر، تهران.
پاکزاد، جهاننشا (۱۳۸۶)، مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری، انتشارات شهیدی، تهران.
توسلی، محمود (۱۳۷۶)، اصول و روش های طراحی شهری و فضاهای مسکونی ایرانی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یار احمدی،

Nasar, J. L & Kang, J (1999), House style preference and meaning across taste cultures, *Landscape and Urban Planning*, Vol.44, pp.33-42.

Newman, O (1972), *Defensible Spaces*, Macmillan Publishing Co, Inc, London.

Nooraddin, H (2002), In-between space: towards establishing new methods in street design, *GBER*, Vol.2, No.1, pp.50-57.

Nooraddin, H (1996), *Al Fina "A study of 'in-between' spaces along streets as an urban concept in Islamic cities of the middle east with a case study in Cairo"*, Department of Town and Regional planning, Faculty of Architecture, Trondheim Norway.

Pastalan, L (1970), Privacy as an Expression of Human Territoriality, in Leon A. Pastalan & Daniel H. Carson, eds, *Spatial Behavior of Older People*.

Rapoport, A (1982), *The meaning of the built environment*, Sage, Beverly Hills.

Skjaeveland, O & Garling, T (1997), Effects of International Space on Neighbouring, *Journal of Environmental Psychology*, Vol.17, pp.181-198.

Stevens, Q (2007), *Betwixt and Between: Building Thresholds, Liminality and Public Space* in Franck, K.A. & Stevens, Q (Eds), *Loose Space: Possibility and Diversity in Urban Life*, Abingdon, Routledge.

Zeisel, J & Griffin, M (1975), *Charlesview Housing: A Diagnostic Evaluation*, Architecture Research Office, Graduate School of Design, Harvard University.

Residential Areas – a Design Proposal for Herrgarden in Rosengard, Sweden.

Hajer, M & Reijndorp, A (2001), *In Search of New Public Domain*, NAI Publishers, Rotterdam.

Hanson, J (2000), Urban Transformations: a history of design ideas, *Urban Design International*, Vol.5, pp. 97-122.

Hiller, B & Hanson, J (1984), *the Social Logic of Space*, Cambridge University Press, Cambridge.

Hua, G (1981), *the Interface between Public and Private Space*, Master Thesis, Massachusetts Institute of Technology.

Knack, R.E (2000), Hanging out: teens search for the perfect public space, *Planning*, Vol.66, No.8, pp.4-9.

Krupat, E (1985), *people in cities*, Cambridge university press, Cambridge mass.

Lang, j (1987), *Creating architectural theory: The role of the behavioral sciences in environmental design*, Van Nostrand Reinhold, Newyork.

Macdonald, E (2005), Street-facing dwelling units and livability: The impacts of emerging building types in Vancouver's new high-density residential neighbourhood, *Journal of Urban Design*, Vol.10, No.1, pp.13-38.

Madanipour, A (2003), *Public and Private Spaces of the City*, Routledge, London.

